




Irano-Islamic Research in Politics, Vol.2, No1, 61-82.

 [20.1001.1.28212088.1402.2.1.4.1](https://doi.org/10.1001.1.28212088.1402.2.1.4.1)

Measuring political efficiency in the Rouhani government based on the indicators of the rule of law and the legitimacy of the executive branch¹

Sharareh Abdolhosseinzadeh²

Ali Alihosseini³

Siamak Bahrami⁴

Abstract

One of the most important things to know the government is to measure its efficiency. Efficiency expresses the degree of success of the government, especially in the executive branch, to achieve its specific goals, and it also expresses the degree of its effectiveness, which comes about through different institutions and with different mechanisms. In this research, Rouhani's government, known as the government of prudence and hope, has been examined considering two important indicators of rule of law and legitimacy. The main question of this research is how the efficiency of the government, based on two indicators of rule of law and legitimacy, was measured in Rouhani's government and how was it? This research, using descriptive-analytical method, has come to the conclusion that in the field of rule of law index, Rouhani's performance was always in the red state and his limited efforts to improve the existing indicators in this field were met with failure. Regarding the legitimacy of the Rouhani government, it was related to the position of the general public. At this point, the majority of Iranian citizens reached the stage of indifference towards the country's political issues, especially participation in the elections, due to the weak management performance of the government and the type of protests faced in 1996-1998.

Keywords: Efficiency, Rouhani government, rule of law, legitimacy.

¹ . Received: 2023/02/03; Accepted: 2023/04/11; Printed: 14/04/2023

² . Abdolhosseinzadeh Department of Political Science, ISahreza Branch, Islamic Azad University, Shahreza, Iran. sh.abdolhoseinzadeh@gmail.com

³ . Alihosseini Associate Professor, Department of Political Science, University of Isfahan (Corresponding Autor) a.alihosseini@ase.ui.ac.ir

⁴ . Assistant Professor of Political Sciences, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran sbahrami59@gmail.com



سیاست پژوهی اسلامی ایرانی، سال دوم، شماره اول (پیاپی پنجم)، بهار ۱۴۰۲، ۶۱-۸۲.

سنجش کارآمدی سیاسی در دولت روحانی بر اساس شاخص‌های حاکمیت قانون و مشروعیت قوه مجریه^۱

شراره عبدالحسین‌زاده^۲

علی علی‌حسینی^۳

سیامک بهرامی^۴

چکیده

یکی از مهم‌ترین کارها برای شناخت دولت، سنجش میزان کارآمدی آن است. کارآمدی، بیانگر میزان توفیق دولت، به‌خصوص در قوه مجریه، برای رسیدن به اهداف مشخص است و همچنین بیان‌کننده میزان اثربخشی آن است که از طریق نهادهای مختلف و با سازوکارهای گوناگون به وجود می‌آید. در این پژوهش، دولت روحانی، موسوم به دولت تدبیر و امید، با در نظر گرفتن دو شاخص مهم حاکمیت قانون و مشروعیت، مورد بررسی قرار گرفته است. پرسش اصلی این پژوهش آن است که کارآمدی دولت، بر اساس دو شاخص حاکمیت قانون و مشروعیت، در دولت روحانی، چگونه سنجیده شده و به چه نحوی بوده است؟ این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی، به این نتیجه رسیده است که در مجموع در زمینه شاخص حاکمیت قانون عملکرد روحانی همواره در وضعیت قریب قرار داشت و تلاش‌های محدود او برای بهبود شاخص‌های موجود در این زمینه با ناکامی مواجه شد. در باب مشروعیت دولت روحانی در ارتباط با موضع عموم مردم بود. در این مقطع اکثریت شهروندان ایرانی به واسطه عملکرد ضعیف مدیریتی دولت و نوع مواجهه با اعتراضات در ۹۶ تا ۹۸ به مرحله بی‌تفاوتی نسبت به مسائل سیاسی کشور به‌ویژه مشارکت در انتخابات رسیدند. **واژگان کلیدی:** کارآمدی، دولت روحانی، حاکمیت قانون، مشروعیت.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱/۲۲؛ تاریخ چاپ: ۱۴۰۲/۱/۲۵

۲. گروه علوم سیاسی، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران
sh.abdolhoseinzadeh@gmail.com

۳. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)
a.alihosseini@ase.ui.ac.ir

۴. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران
sbahrami59@gmail.com

مقدمه

کارآمدی سیاسی، یکی از مباحث مهم در شناخت کارنامه و عملکرد دولت‌هاست. بدون وجود یک شناخت دقیق از این موضوع، نمی‌توان به سنجش عملکرد یک دولت، به‌خصوص در قسمت اجرایی پرداخت. در این پژوهش، با در نظر گرفتن دو شاخص مهم حاکمیت قانون و مشروعیت قوه مجریه، به این موضوع پرداخته خواهد شد که در دولت روحانی، موسوم به «دولت تدبیر و امید»، وضعیت کارآمدی دولت از منظر این دو شاخص چگونه بوده است.

رسیدن به این شناخت، بدون در نظر داشتن یک تصویر مشخص از وضعیت دولت در این دو مقوله امکان‌پذیر نیست. بر این اساس، پژوهش حاضر، با در نظر داشتن برخی از آمارها و شاخص‌های جهانی، به عنوان ملاک‌های تعیین‌کننده برای سنجش وضعیت کارآمدی دولت، قانون و مشروعیت را به‌مثابه دو اصل اساسی در نظر گرفته که می‌تواند بیان‌کننده میزان کارآمدی قوه مجریه باشد. در عین حال، به این نکته نیز باید توجه داشت که وضعیت کارآمدی دولت روحانی، با شاخص‌هایی سنجیده می‌شود که به «خود» این دولت مرتبط است و در کنار آن، شاخص‌های دیگری را نیز می‌توان در نظر داشت که به حوزه‌های دیگر حکومت و قوای دیگر نیز مرتبط باشد. با این توضیح باید گفت که سنجش «قوه مجریه» به عنوان یک عامل مؤثر در کارآمدی سیاسی، اهمیت زیادی برای شناخت آسیب‌ها و البته وضعیت کلی حکومت در مسئله کارآمدی دارد.

مبانی نظری

کارآمدی دولت مفهومی پیچیده و کارآمدسازی دولت پروسه‌ای با پیچیدگی‌های زیاد است. کارآمدی که می‌تواند پیامدهای بسیاری برای حوزه‌های مختلف جامعه داشته باشد (عطار و کمالی‌زاده، ۱۳۹۷؛ ۶). در یک تلقی از کارآمدی، علاوه بر تقارن‌های فراوان با فهم اقتصادی و مدیریتی از این مفهوم، به واسطه پیوند با مفهوم کلیدی «قدرت» در علوم سیاسی و

در نظر گرفتن جایگاه واقعی دولت‌ها در جوامع و کشورهای امروزی، با تأکید بر وظایف، اختیارات و توانمندی‌های آنها از یک سو و انتظارات از آنها از سوی دیگر، نزدیک‌ترین و کاربردی‌ترین برداشت از مفهوم کارآمدی در علوم سیاسی است که می‌تواند مبنا و چارچوب نظری وثیقی برای پژوهش در زمینه کارآمدی دولت باشد. با کمک این معیارها می‌توان به تصویر نسبتاً شفاف و دقیقی از نحوه و میزان عملکرد یک دولت دست یافت. همچنین می‌توان به بررسی و مقایسه وضعیت حال و گذشته دولت یا مقایسه آن با سایر دولت‌ها پرداخت (عطار و کمالی‌زاده، ۱۳۹۷؛ ۲۳). کارآمدی نظام سیاسی، نقشی اساسی در ثبات سیاسی و استحکام پایه‌های فکری و کارکردی یک نظام سیاسی دارد. پیگیری و تحقق اصول و اهدافی همانند عدالت و مشروعیت از سوی دولت‌ها و میزان نیل دولت‌ها به این اهداف، معیار و شاخص کارآمدی نظام سیاسی است که با استفاده بهینه از ظرفیت‌ها و فرصت‌ها، چالش‌ها و موانع پیش‌روی جامعه را برطرف و در جهت آن اهداف مهندسی می‌کند. اما آیا کارآمدی شاخصی است که هرگاه شاخص‌هایی نظیر عدالت‌محوری، آزادی، عقلانیت، مشارکت سیاسی اعمال شوند، به‌طور طبیعی نظام کارآمد می‌شود و در نتیجه، می‌توان آن را شاخصی پیامدی و نتیجه‌ای قلمداد کرد؟ یعنی آیا می‌توان نظامی را برخوردار از این مؤلفه‌ها دانست، اما کارآمد نباشد؟ یا کارآمدی شاخصی به موازات سایر شاخص‌ها است که کاربست مجموعه آنها، متضمن پیشرفت سیاسی جامعه است. بر این اساس کارآمدی یک ویژگی اساسی نظام سیاسی به شمار می‌رود (نوروزی، ۱۳۹۴؛ ۶).

نکاتی چند در کارآمدی ضروری است:

۱. کارآمدی در نظام‌های سیاسی، امری نسبی است و ناشی از وجود مؤلفه‌ها و اجزای گوناگون تشکیل‌دهنده در هر نظام سیاسی است. در نتیجه، عدم کارآمدی یک جزء از کل این مراحل، نباید به عنوان ناکارآمدی کامل یا کارآمدی یک جزء به عنوان کارآمدی کل القا شود. کارآمدی یک نظام، حاکی از کارآمدی مجموعه عملکرد مثبت و منفی‌ای است که دستگاه‌های این نظام دارند؛ یعنی این برابند مثبت است.

۲. تعریف کارآمدی به موفقیت در تحقق اهداف، با توجه به امکانات و موانع برای نظام‌های مدعی دموکراسی، که مبنای مشروعیت آنها رأی مردم است، کارساز و مفید است. مشروعیت و کارآمدی، دورکن مهم در هر نظام سیاسی است. مشروعیت توجیه اعمال حکمرانی از سوی حاکم و پذیرش آن از سوی شهروندان است. کارآمدی ناظر به تحقق اهداف، با توجه به امکانات و موانع است.

۳. کارآمدی، فرایندی تدریجی است؛ بدین معنی که کارآمدی آموزه، ساختارها، کارگزاران و امت در فرایندی تدریجی و زمانمند به حقیقت می‌پیوندد. به عبارت دیگر، نمی‌توان کارآمدی نظامی را به‌طور آنی تجربه کرد. فرایندی سازوار است؛ بدان معنی که برای کارآمدی هر امری قلمرو روشن، نمایان و ویژه لازم است، به گونه‌ای که در بیرون از قلمرو یادشده، طرح کارآمدی مقوله بی‌خاصیتی است. سازواری مقتضی آشکار بودن قلمرو است. هر امری، اصول قاعده‌ها و هنجارهای ویژه‌ای در کارآمدی می‌طلبد. برنامه‌ریزی و ساختار، از مهم‌ترین سازه‌های کارآمدی هستند. این دو دگرگون شونده و تکامل‌پذیرند و نمی‌توان یک برنامه یا ساختار را در بلندمدت حفظ کرد، بلکه تجدیدنظر در آن دو، نشانگر پویایی و امری لازم و منطقی است (نوروزی، ۱۳۹۴؛ ۸-۱۰).

به‌طور طبیعی کارآمدی و ناکارآمدی در همه اعصار بر جوامع حاکم بوده است. ریشه این مفهوم در ابعاد اقتصادی- اجتماعی خود جامعه و فرایندهای زندگی اجتماعی است. در فرایند زندگی اقتصادی- اجتماعی، انسان‌ها به هم گره می‌خورند و توانایی هر فردی آنچنان با هر یک از بخش‌های جامعه پیوند زده می‌شود که گویی یک کل یکپارچه‌اند. تفاوت بنیادین زندگی اجتماعی مدرن یا شبه‌مدرن با زندگی در اجتماعات سنتی، تجلی‌کنش‌های انسانی در قالب یکپارچه‌سازی و همبستگی اجتماعی، نظیر تعاون، همیاری، همکاری، سازگاری و بروز توانایی‌ها و کارآمدی اجتماعی بخش‌های مختلف است؛ هرچند ستیز، رقابت، ناسازگاری و دشمنی را نیز می‌توان مشاهده کرد. از آنجا که هر نظام اجتماعی، الگوهای کنشی و ارتباطی خاص خود را تولید می‌کند، در داخل هر

یک از حوزه‌های فرهنگی، مشابهت و درک معانی مشترک از الگوهای کنشی و ارتباطی در بین کنشگران وجود دارد (موسوی و همکاران، ۱۳۹۷؛ ۱۰).

در حقیقت کارآمدی را می‌توان بیانگر قابلیت و توانایی یک نظام اجتماعی در رسیدن به اهداف تعیین‌شده و حل مشکلات جامعه دانست؛ آن‌هم با وجود امکانات و موانعی که در هر جامعه با توجه به اهداف آن متفاوت است. بر این اساس، کارآمدی بر پایه مقولاتی از قبیل توانایی، اهداف، امکانات، موانع و جوامع مختلف تبیین می‌شود. در پاسخ به این سؤال که آیا رژیم سیاسی توانایی تحقق اهداف حکومت، اداره جامعه و اداره امور سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مردم را داراست یا خیر، باید گفت هر اندازه که نظام سیاسی با توجه به توانایی و امکانات و موانع پیش روی خود به اهداف خود نائل آید، آن نظام سیاسی کارآمدتر است (قیوم اصغری، ۱۳۹۵؛ ۲).

بی‌تردید کارآمدی حکومت و قرین شدن آن با کامیابی‌های پی‌درپی در فرایند توسعه، در کنار دیگر عوامل، می‌تواند عامل مهمی در نفوذ و اقبال مردم به حاکمیت مشروع باشد و در یک روند معکوس، ظرفیت‌های تولید رضایت و اعتماد به حاکمیت و کارکردهای آن را ارتقاء بخشد (واعظی و موسوی، ۱۳۹۱؛ ۱۲).

کارآمدی که ناظر بر توانایی عملکردی حکومت‌ها و سایر موجودیت‌های سیاسی در عرصه سیاست است، مفهومی چندسطحی و چندبعدی است. کارآمدی در سطحی عمومی یعنی توانمندی‌هایی که در مورد همه موجودیت‌ها و به‌خصوص نظام‌های سیاسی باید از آن برخوردار باشند و تقریباً در مورد همه نظام‌های سیاسی به یک میزان صدق می‌کند و اهمیت دارد. این نوع از کارآمدی بیشتر در حوزه سیاست ملایم، مسائل امنیتی، دفاع از مرزها و تأمین تمامیت ارضی و... معنا می‌یابد. سطح دیگر از کارآمدی، تعریفی از کارآمدی است که با توجه به ضوابط ارزشی و هنجاری حاکم بر نظام‌های سیاسی تعریف می‌شود. تفاوت در ارزیابی کارآمدی حکومت‌ها به این سطح از کارآمدی نیز مربوط می‌شود (شفیعی و نیک‌بین، ۱۳۹۴؛ ۷۵).

ملاك‌های کارآمدی در چارچوب نظریه‌های مختلف کارآمدی و متناسب با آن، به شکل‌های گوناگون تعریف و تبیین شده و هرکدام معیار خاص خود را دارد به طوری که معیار کارآمدی نظام از نگاه دسته اول عبارت است از: قابلیت و توانایی يك نظام اجتماعی در رسیدن به اهداف تعیین‌شده و حل مشکلات جامعه؛ آن‌هم با وجود امکانات و موانعی که در هر جامعه با توجه به اهداف آن متفاوت است. بر این اساس کارآمدی بر پایه مقولاتی از قبیل توانایی، اهداف، امکانات، موانع و جوامع مختلف تبیین می‌شود. در پاسخ به این سؤال که آیا رژیم سیاسی توانایی تحقق اهداف حکومت، اداره جامعه و اداره امور سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مردم را داراست یا خیر، باید گفت هر اندازه که نظام سیاسی با توجه به توانایی و امکانات و موانع پیش‌روی خود به اهداف نائل آید، آن نظام سیاسی کارآمدتر است اما از نگاه دسته دوم مهم‌ترین ملاک داوری مردم در کارآمدی یا ناکارآمدی نظام، عملکرد آن نظام است (شفیعی و نیک‌بین، ۱۳۹۴؛ ۸۰).

بنابراین کارآمدی با مفاهیمی همچون کارایی، پاسخگویی و مشروعیت ارتباط نزدیکی دارد. در حقیقت کارآمدی را می‌توان بیانگر قابلیت و توانایی یک نظام اجتماعی در رسیدن به اهداف تعیین‌شده و حل مشکلات جامعه دانست؛ آن‌هم با وجود امکانات و موانعی که در هر جامعه با توجه به اهداف آن متفاوت است. بر این اساس کارآمدی بر پایه مقولاتی از قبیل توانایی تحقق اهداف، بهره‌گیری از امکانات و برطرف کردن موانع در جوامع مختلف تعریف می‌شود. در این پژوهش کارآمدی مشتمل بر کارایی و اثربخشی تعریف می‌شود (زین‌الدینی و دیگران، ۱۳۹۵؛ ۱۶۴-۱۶۵).

کارآمدی و مشروعیت

از مشروعیت تعاریف فراوانی کرده‌اند، اما در مجموع پرسش از چرایی «الزام و التزام سیاسی» پرسش از مشروعیت است. این مفهوم به معنای میزان اعتقاد شهروندان به دولت، به مثابه تجسم بخش منافع آنها و باور به حقانیت و شایستگی دولت در برخورداری از قدرت و اعمال این قدرت بر شهروندان است. به تعبیر رابرت دال «وقتی حکومتی مشروعیت دارد که

مردم تحت فرمان، اعتقاد راستین داشته باشند بر اینکه ساختارها، عملکردها، اقدامات، تصمیمات، سیاست‌ها، مقامات و رهبران یا حکومت از شایستگی، درستکاری، یا خیر اخلاقی و از حق صدور قواعد الزام‌آور برخوردار باشند» از نظر لغوی مشروعیت گاهی به معنای «حقانیت» و گاه به معنای «قانونیت» و گاهی به معنای «مقبولیت و پذیرش عمومی» است. عالی‌ترین سطح مشروعیت دربرگیرنده هر سه از تعبیر از این مفهوم است، اما مشروعیت و کارآمدی دو شرط اصلی بقای هر حکومتی است و بین آنها تعامل و ارتباط دوجانبه و مستقیمی وجود دارد و به عبارتی هنگامی که «پایینی‌ها نخواهند و بالایی‌ها نتوانند» سقوط و سرنگونی حتمی است. کارایی با بازده عملی هر سامانه (سیستم) مترادف است و منظور از آن نتیجه‌بخش بودن یک طرح، برنامه یا سیاست است. نظام سیاسی آنگاه کارایی دارد که بتواند وظیفه‌های را که بیشترین مردم یا حکومت‌شوندگان از آن متوقع است، انجام دهد و وظیفه اصلی یک نظام سیاسی پشتیبانی همه‌جانبه از زندگی فردی، اجتماعی، سیاسی، مادی و معنوی همه شهروندان به‌ویژه پاسداری از آسایش و امنیت تک‌تک آنان در اجتماع است. پشتیبانی واقعی و عینی مشروعیت هر نظامی وابسته به کارایی آن است (اخوان‌کاطمی، ۱۳۸۲، ۷۹).

تعریف کارآمدی به موفقیت در تحقق اهداف، با توجه به امکانات و موانع برای نظام‌های مدعی دموکراسی که مبنای مشروعیت آنها رأی مردم است، کارساز و مفید است. مشروعیت و کارآمدی، دو رکن مهم در هر نظام سیاسی است. مشروعیت توجیه اعمال حکمرانی از سوی حاکم و پذیرش آن از سوی شهروندان است. کارآمدی ناظر به تحقق اهداف، با توجه به امکانات و موانع است (نوروزی، ۱۳۹۴: ۸-۱۰).

ضرورت و اهمیت کارآمدی تا بدان حد است که در صورت بی‌توجهی و نپرداختن به آن عنصر مشروعیت به تنهایی کاری از پیش نمی‌برد و در درازمدت مشروعیت به ضد خود تبدیل می‌شود. به همین جهت کارآمدی را مشروعیت عملی یا مشروعیت همیشگی می‌توان نامید. به بیان دیگر یک حکومت

دموکراتیک نه تنها باید بر اصول دموکراتیک استوار باشد بلکه باید به صورت دموکراتیک نیز اداره شود (قلی‌پور، ۱۳۷۸؛ ۱۳۴).

بدین ترتیب رابطه بین مشروعیت و کارایی در یک نظام سیاسی از اهمیت حیاتی برخوردار است، چراکه وجود یا فقدان یکی، در درازمدت می‌تواند به رشد یا از دست رفتن دیگری منجر شود. احتمالاً «لیپست» اولین شخصی بود که به‌طور اخص رابطه بین مشروعیت و کارایی را تجزیه و تحلیل کرد و بحث کرد که ثبات یک رژیم به رابطه بین این دو مفهوم بستگی دارد. وی کارایی را عملکرد حقیقی و واقعی حکومت یا برآوردن کارویژه‌های اساسی حکومت توسط نظام تعریف می‌کند. (اخوان‌کاظمی، ۱۳۸۲؛ ۷۹-۸۰).

در توضیح بیشتر باید گفت که «مشروعیت اولیه یا پیشینی حقی است که برای یک فرد یا گروه در به دست گرفتن حکومت و اعمال قدرت فرض می‌شود. درحالی‌که مشروعیت ثانویه یا جاری درواقع توانایی اعمال و حفظ این حاکمیت است. رابطه این دو مشروعیت یا به تغییر دقیق‌تر «مشروعیت» و «مشروعیت‌یابی» یا مشروعیت و کارآمدی به صورت زیر است: مشروعیت پیشینی شکل‌گیری قدرت استقرار اعمال قدرت مشروعیت جاری یا ثانویه (کارآمدی) بر این مبناء، کارآمدی مشروعیت‌زا و از نوع مشروعیت مکمل و ثانویه است» (اخوان‌کاظمی، ۱۳۸۲؛ ۸۰).

ناتوانی نظام در برابر تقاضاها بر مشروعیتش اثر منفی می‌گذارد. بدیهی است که تقاضاها نیز ثابت نمی‌ماند و در شرایط کنونی جامعه ایرانی به سرعت تنوع و گسترش می‌یابند. در صورتی که حاکمیت توجهی به این تغییرات اجتماعی و تقاضاهای جدید نکند، به تدریج با بحران درونی مواجه می‌شود و پایه‌های اقتدار و مشروعیتش سست می‌شود. بنابراین بین ناکارآمدی (اقتصادی) و مشروعیت سیاسی یک نظام رابطه مستقیمی وجود دارد. برای هیچ نظامی نمی‌توان مشروعیت و کارآمدی قطعی قائل شد. ناکارآمدی اقتصادی نشان از ضعف عملکرد نظام سیاسی است. تحقیقات علمی نشانگر این واقعیت است که بحران اقتصادی مردم را از بدنه نظام جدا

می‌کند و نظام را در مقابل خطرات خارجی و داخلی تنها می‌گذارد (فلاحی، ۱۳۸۹؛ ۳۹).

پس از تشکیل حکومت‌ها و شکل‌دهی قوانین و تصویب آن مسئله دیگری پدید می‌آید و آن تداوم و ادامه حکومت است که چگونه یک حکومت مشروعیت خود را بازتولید کند که در اینجا عنصر دیگری بر مؤلفه‌های مشروعیت اضافه می‌شود و آن عنصر کارآمدی است (کرامت، ۱۳۹۳؛ ۱۱۱).

مبحث کارآمدی و کارایی در علم و عمل سیاست دارای جایگاه وزین و بااهمیتی است؛ زیرا در هر حال، هر نظام سیاسی، گسترده‌ترین و کلان‌ترین شکل یک نظام مدیریتی است و خواه‌ناخواه دستیابی به حداکثر کارآمدی و کارایی این نهاد، جزء اصلی‌ترین خواست‌های هر سامانه سیاسی است. از دهه‌های گذشته و همراه با نضج نظریه‌های توسعه، مبحث کارآمدی به عنوان مؤلفه‌ای مشروعیت‌زا و مؤثر در بقا، استحکام و رشد و ترقی نظام‌های سیاسی و رافع خلل‌ها و بحران‌های سامانه‌ای (سیستماتیک) اهمیتی روزافزون یافت و بررسی تعاملات این مفهوم با مفاهیم مهمی مانند مشروعیت در دستور کار اندیشمندانی مانند لیپست قرار گرفت. یکی از کسانی که اولین بار در عرصه سیاست، از مفهوم کارآمدی استفاده کرد، سیمون مارتین لیپست بود. از دید وی، کارآمدی به معنی تحقق عینی یا توان سیستم در تحقق کارکردهای اساسی یک حکومت است، به گونه‌ای که اکثریت مردم و گروه‌های قدرتمند درون نظام سیاسی مانند اصناف بزرگ یا نیروهای مسلح، تحقق آن را به‌طور ملموس مشاهده نمایند. به عقیده وی، برخلاف عناصر دیگر مشروعیت که تقریباً مقوله‌ای ارزشی و ذهنی است، کارآمدی مقوله‌ای عینی و ابزاری است، برخلاف نظر لیپست، با این حال به نظر می‌رسد که کارآمدی علاوه بر آنکه مقوله‌ای عینی و ابزاری است که بر اساس آن، توان یک نظام سیاسی در حل مشکلات و رفع نیازهای اساسی جاری مدنظر است، در همین حال تا حدی مقوله ذهنی و هنجاری نیز است؛ چراکه علاوه بر توان واقعی یک نظام سیاسی، مردم آن جامعه نیز باید به این ارزیابی برسند که نظام سیاسی موجود توانایی حل مشکلات و رفع نیازهای آن را داشته یا

آنکه نظام سیاسی موجود قصد حل مشکلات و رفع نیازهای اساسی آنها را داراست. لیست معتقد است که عملکرد ضعیف دولت باعث کاهش اعتماد مردم به دولت می‌شود و طبعاً چون دولت اقدامات و برنامه‌های خود را از راه نهادهای اداری خود به اجرا درمی‌آورد، می‌توان پیش‌بینی نمود که کاهش اعتماد به نهادهای دولتی اعتماد به مسئولین را نیز کاهش خواهد داد (کرامت، ۱۳۹۳؛ ۱۱۳).

کارایی حکومت عبارت است از: مقدار منابعی که برای تحقق یک هدف یا ارائه یک خدمت یا انجام وظیفه حکومت به مصرف رسیده است و می‌توان آن را بر حسب نسبت مصرف به نتیجه، محاسبه و تفسیر کرد. اگر حکومتی بتواند در مقایسه با دیگر حکومت‌ها، با صرف مقدار کمتری از منابع به هدف مشخص برسد، کارایی بیشتری دارد (واعظی و موسوی، ۱۳۹۱؛ ۹).

میزان دستیابی به اهداف از پیش تعیین‌شده را اثربخشی گویند. در واقع اثربخشی دربرگیرنده نتایج حاصله از عملکرد سیستم است. در پارادایم مدیریت دولتی نوین نیز، کارایی و اثربخشی ویژگی‌های اصلی نظام اداری و سیاسی محسوب می‌شوند (هیوز، ۱۳۸۰؛ ۷۵).

ذکر این نکته لازم است که برخی از کارآمدی حکومت به عنوان فرایندی که خود می‌تواند مشروعیت‌آفرین باشد، یاد کرده‌اند. حکومت‌ها پس از مرحله تأسیس که بر پایه کسب نوعی مشروعیت در مقام حدوث (Legitimacy) شکل می‌گیرند، در مرحله استقرار به فرایندی از مشروعیت‌زایی و مشروعیت‌یابی (Legitimation) یا همان مشروعیت ثانویه تکیه می‌کنند. بر این اساس کارکرد مطلوب حکومت و توفیق در کارآمدی، ممکن است به جلب رضایت شهروندان و بازتولید هنجارهای تازه مشروعیت‌آفرین و در نتیجه بازایابی مشروعیت حکومت منتهی شود. همچنان که ضعف کارآمدی یک حکومت مشروع، ممکن است ظهور بحران‌ها و در نهایت زوال مشروعیت ریشه‌دار و پیشین حکومت را سبب شود و پیروی شهروندان نسبت به چنین حکومتی را از اساس مورد تردید قرار دهد (واعظی و موسوی، ۱۳۹۱؛ ۱۲).

بی‌تردید کارآمدی حکومت و قرین شدن آن با کامیابی‌های پی‌درپی در فرایند توسعه، در کنار دیگر عوامل، می‌تواند عامل مهمی در نفوذ و اقبال مردم به حاکمیت مشروع باشد و در یک روند معکوس، ظرفیت‌های تولید رضایت و اعتماد به حاکمیت و کارکردهای آن را ارتقا بخشد (واعظی و موسوی، ۱۳۹۱؛ ۱۲).

بنابراین کارآمدی با مفاهیمی همچون کارایی، پاسخگویی و مشروعیت ارتباط نزدیکی دارد. در حقیقت کارآمدی را می‌توان بیانگر قابلیت و توانایی یک نظام اجتماعی در رسیدن به اهداف تعیین‌شده و حل مشکلات جامعه دانست؛ آن‌هم با وجود امکانات و موانعی که در هر جامعه با توجه به اهداف آن متفاوت است. بر این اساس کارآمدی بر پایه مقولاتی از قبیل توانایی تحقق اهداف، بهره‌گیری از امکانات و برطرف کردن موانع در جوامع مختلف تعریف می‌شود. در این پژوهش کارآمدی مشتمل بر کارایی و اثربخشی تعریف می‌شود (زین‌الدینی و دیگران، ۱۳۹۵؛ ۱۶۴-۱۶۵).

حاکمیت قانون

شاخص حاکمیت قانون، یکی از شاخص‌های مهم برای شناخت کارآمدی و کارایی حکومت است. در اساس قانون‌مندی و پذیرش حاکمیت قانون را می‌توان یکی از مهم‌ترین ابعاد نظام اجتماعی دانست. حاکمیت قانون در فرهنگ لغت انگلیسی آکسفورد به این صورت تعریف شده است: «اقتدار و تأثیر قانون در جامعه، به‌ویژه هنگامی که به عنوان محدودیتی بر رفتارهای فردی و نهادی تلقی می‌شود» (Garner, 2009, 1448). البته ضروری است توجه شود که حاکمیت قانون حاکی از آن است که هر شخصی تابع قانون است، از جمله افرادی که قانون‌گذار، یا مقام اجرای قانون یا از گروه قضات هستند (Hobson, 1996, 57).

حاکمیت قانون، مکانیسم، فرایند، نهاد، رویه یا هنجاری است که از برابری همه شهروندان در برابر قانون حمایت می‌کند، شکل غیرخودسرانه حکومت را تضمین می‌کند و به‌طور کلی از استفاده خودسرانه از قدرت

جلوگیری می‌کند. خودسری نمونه‌ای از اشکال مختلف استبداد، مطلق‌گرایی، استبداد و تمامیت‌خواهی است. حکومت‌های استبدادی حتی اشکال بسیار نهادینه‌شده حکومتی را در بر می‌گیرند که در آن نهادی که در رأس ساختار قدرت قرار دارد (مانند پادشاه، حکومت نظامی، یا کمیته‌های حزبی) قادر است در صورت تمایل بدون محدودیت قانونی عمل کند. حاکمیت قانون دلالت بر این دارد که ایجاد قوانین، اجرای آنها و روابط بین قواعد حقوقی خود به‌طور قانونی تنظیم می‌شود، به‌طوری که هیچ‌کس -از جمله بالاترین مقام- بالاتر از قانون نیست. محدودیت قانونی حاکمان به این معناست که دولت به اندازه شهروندان تابع قوانین موجود است. بنابراین، مفهومی نزدیک به ایده برابری در مقابل قانون است که معتقد است هیچ شخص «حقوقی» از امتیازاتی برخوردار نخواهد بود که به همه تعمیم داده نمی‌شود و هیچ شخصی از مجازات قانونی مصون نخواهد بود. به‌علاوه، اعمال و قضاوت قواعد حقوقی توسط مقامات مختلف حکومتی باید بی‌طرفانه و منسجم در موارد مشابه باشد و به دور از رویکرد کورکورانه و بدون در نظر گرفتن طبقه، موقعیت یا قدرت نسبی در میان دو طرف منازعه صورت گیرد. برای اینکه این ایده‌ها خرید واقعی داشته باشند، باید دستگاه‌های قانونی برای وادار کردن مسئولان به تسلیم قانون وجود داشته باشد (Barro, 2000, 170).

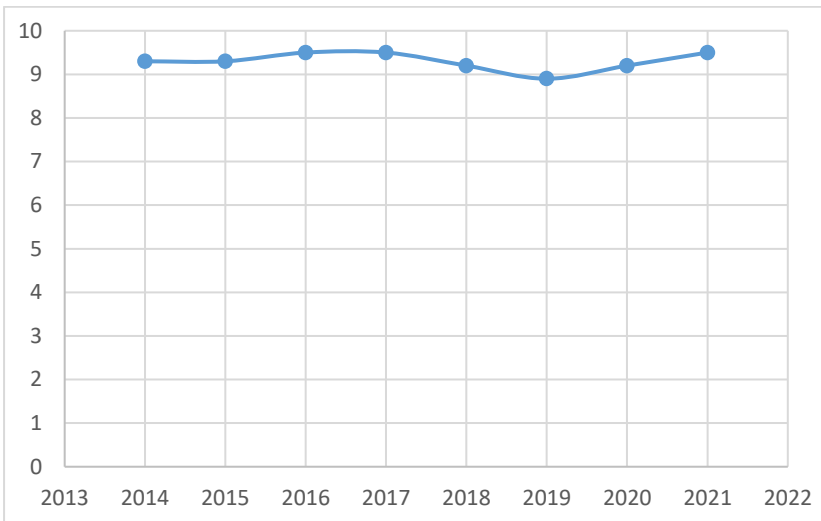
محورهای سیاسی کارآمدی نظام سیاسی در دولت روحانی

۱. حاکمیت قانون

با عنایت به آمارهای بنیاد صلح در باب شاخص و حاکمیت قانون، امتیازهای سالانه ایران به این شرح است: در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ دولت روحانی، وضعیت حاکمیت قانون با امتیاز ناگوار ۹/۳ همراه بوده است که وضعیت قرمز و هشدار کامل است. این بدان معناست که ایران از معیارهای بین‌المللی حاکمیت قانون در بسیار فاصله داشت. در سال ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ نیز وضعیت امتیازهای ایران بدتر شده و به ۹/۵ رسیده است. این به معنای سقوط بیشتر ایران در این شاخص است. در سال ۲۰۱۸ امتیاز کشور به

۹/۲ رسیده و در سال ۲۰۱۹ حکایت از امتیاز ۸/۹ دارد. وضعیت کشور در سال ۲۰۲۰ نیز ۹/۲ بوده و در سال ۲۰۲۱ یعنی آخرین سال ریاست جمهوری روحانی به ۹/۵ رسیده است (FFP, 2014-2021). با عنایت به این آمارها، ایران در دوران روحانی همواره در وضعیت قرمز حاکمیت قانون قرار داشته است و نمودار آن به شرح ذیل است:

وضعیت شاخص حاکمیت قانون در دوران دولت روحانی



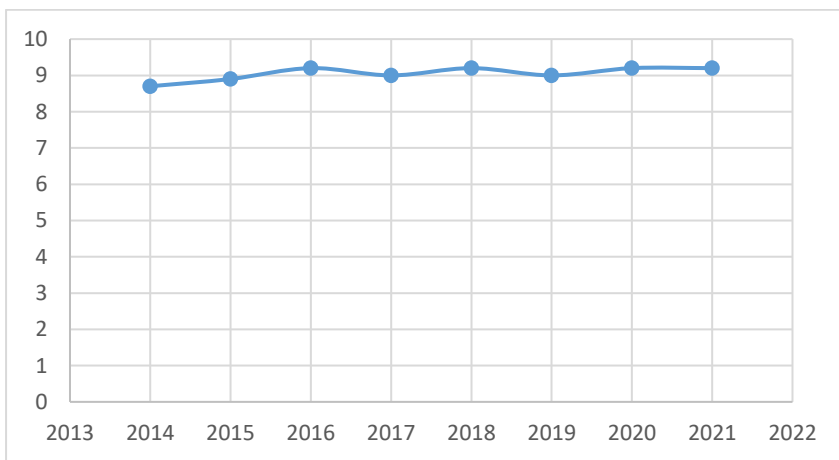
FFP, 2014 – 2021

مشروعیت قوه مجریه

با مراجعه به بنیاد صلح و شاخص دولت شکننده از ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۱، می‌توان به امتیازهای سالانه ایران دست یافت و اگر در قالب نمودار اکسل آنها را مورد طراحی قرار دهیم، تصویر روشنی از وضعیت ایران در این شاخص به دست می‌آید. بر همین مبنا، امتیازهای ایران در دوران دولت روحانی به این شرح است: در سال ۲۰۱۴ امتیاز ۸/۷ را نشان می‌دهد. این امتیاز به

معنای وضعیت هشدار و شکننده قابل تفسیر است. در سال ۲۰۱۵ با پسرفت بیشتر به عدد ۸/۹ رسیده است. در سال ۲۰۱۶ نیز با تکرار پسرفت جایگاه ایران، وضعیت مشروعیت دولت نیز بدتر شده و به امتیاز ۹/۲ رسیده است. در سال ۲۰۱۷ نیز عدد ۹ را نشان می‌دهد و در سال ۲۰۱۸ عدد ۹/۲ و در سال ۲۰۱۹ نیز بار دیگر عدد ۹ را به دست آورده است. در دو سال ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ نیز امتیازهای ۹/۲ تکرار شده است (FFP, 2014-2021). در کلیت دوران مورد بررسی ایران در دوران تدبیر و امید در وضعیت شکننده و ناگوار یا هشدار مشروعیت دولت قرار داشته است. نمودار این شاخص به این شرح است:

وضعیت شاخص مشروعیت قوه مجریه در دوران دولت روحانی



FFP, 2014 – 2021

در تحلیل نمودار فوق، می‌توان چنین گفت که روحانی به دلیل دیدگاه‌های میانه‌روی و در عین حال روابط نزدیک با روحانیون حاکم ایران و جنبش سبز، یکی از نامزدهای پیش‌تاز در انتخابات سال ۲۰۱۳ محسوب می‌شد. او

هم‌چنین با جذب نظر اصلاح‌طلبان، آرای آنها را نیز به دست آورد و در بحبوحه انتخابات، محمد خاتمی و اکبر هاشمی‌رفسنجانی، رؤسای جمهور سابق، همراه با اصلاح‌طلبان پس از کناره‌گیری محمدرضا عارف، نامزد اصلاح‌طلب، پس از توصیه خاتمی به کناره‌گیری از انتخابات ریاست جمهوری، از روحانی در رقابت‌های انتخاباتی حمایت کردند و او مشروعیت طبقه متوسط و بخشی از روشنفکران و تحصیل‌کردگان و طبقات مختلف و نیز گروه‌های جناحی را نیز به دست آورد. لذا مشروعیت مضاعفی را در انتخابات کسب نمود (Torbati, 11 June 2013). او هم‌چنین حمایت قابل توجهی عمومی را داشت و خود می‌دانست که مردم منبع تولید مشروعیت دولت هستند تا حدی که در جایی روحانی می‌گوید: «امیدواریم دولت‌مردان ما نیز به آن باور داشته باشند که کشور متعلق به مردم است و دولت‌مردان به مردم خدمت می‌کنند و از این طریق مشروعیت خود را به دست می‌آورند تا به نمایندگی از آنها حکومت کنند. و اگر در مأموریت خود یعنی خدمت صادقانه به مردم کوتاهی کنند، مشروعیت خود را از دست خواهند داد» (president.ir, 2015).

در نتیجه چنین پشتوانه سیاسی و عمومی، در سال ۱۳۹۲، از مجموع ۳۶۷۰۴۱۵۶ رأی، روحانی ۱۸۶۱۳۳۲۹ رأی به دست آورد در حالی که رقیب اصلی او محمدباقر قالیباف ۶۰۷۷۲۹۲ رأی کسب کرد (BBC News, 2013). این برابری وضعیتی بود که نشان می‌داد روحانی هم با طبقه متوسط و هم با جوانان و نیز جریان‌های سیاسی عملکرد خوبی داشت، حتی در شهرهای مذهبی مانند مشهد و قم و هم‌چنین در شهرهای کوچک و روستاها، حمایت اکثریت را به دست آورد. ایرانیان مذهبی نیز به همان اندازه پیروزی روحانی را جشن گرفتند و آنچه را که تحلیلگران به عنوان رد کامل سیاست‌های جناح‌های اصولگرایی توصیف کردند، نشان دادند (Fassihi, June 15, 2013). در انتخابات سال ۱۳۹۶ نیز، روحانی با وجود رقیب مهمی چون ابراهیم رئیسی که به کلیت سیاست‌های روحانی در دور اول ریاست‌جمهوری انتقاد داشت، در نهایت با قاطعیت در انتخابات پیروز شد و نشان از پاسخ مثبت جامعه ایران از تلاش‌های او برای تعامل مجدد با غرب و ارائه آزادی‌های بیشتر بود. او در انتخاباتی که ۷۳/۰۷ درصد مشارکت

داشت، ۲۳،۶۳۶،۶۵۲ رأی را به دست آورد (Graham-Harrison, 2017) که خود چشم‌گیر بود و پایگاه مشروعیت وی از مسیر مشارکت را تقویت کرد.

مشروعیت دولت روحانی در دوران اول ریاست‌جمهوری او، به واسطه طرح برجام و امضای آن و با تلاش‌های دولت وی جهت تقویت بنیان‌های اقتصادی کشور و نیز گشایش‌های سیاسی و مدنی محدود، به نظر در حال تقویت، پس از دولت احمدی‌نژاد بود. با این حال، اعتراض‌های پیاپی به وضعیت معیشت که نوک خود را متوجه نظام سیاسی ایران و دولت روحانی کرد، باعث خدشه و لرزش در این مشروعیت بود. از آنجا که برای چهار دهه، حاکمیت جمهوری اسلامی ایران بر پایه‌های عدالت اجتماعی بازتوزیعی، استقلال سیاست خارجی، مبانی اسلام مدیریت شده بود، بر مشروعیت انتخاباتی استوار بوده است. این ارکان که هر یک از اهمیت یکسانی برخوردارند، به عنوان اصول راهنما برای تقویت تصمیمات سیاست داخلی و خارجی ایران عمل کرده‌اند.

به جز سنجه اعتراضات، مهم‌ترین سنجه برای شناسایی از دست رفتن مشروعیت دولت، انتخابات پارلمانی ایران بود که می‌توانست وضعیت مشروعیت دولت در دوران روحانی را پس از تصمیم‌هایی که منجر به اعتراضات شد و نیز سرکوب شدید آنها نشان دهد. البته، انتخابات در ایران، اگرچه به دلیل بررسی نامزدها توسط شورای نگهبان، چندان آزاد و منصفانه نیست، اما بارها و بارها فشارسنج مهمی برای شناسایی حمایت و مشارکت عمومی و فهم مشروعیت دولت و نظام بوده است. مشارکت در انتخابات که به‌طور سنتی بالاتر از اکثر دموکراسی‌های غربی است و در مقایسه با کمبود فرصت‌های انتخاباتی در خاورمیانه، به عنوان نشانه‌ای از مشروعیت عمومی اعلام می‌شود. در انتخابات پارلمانی ۲۰۱۶، ۶۲ درصد از واجدین شرایط در این انتخابات مشارکت کردند. اما در یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی روز جمعه ۲ اسفند ۱۳۹۸ با رأی‌گیری در ۵۵ هزار شعبه اخذ رأی در سراسر ایران در ۲۰۸ حوزه انتخابیه برای انتخاب ۲۹۰ نماینده مجلس با مشارکت ۴۲.۵۷ درصدی ایرانیان برگزار شد (Vakil, 2019) که به معنای

سقوط ۲۰ درصدی مشارکت نسبت به دور قبل و کاهش مشارکت به زیر ۵۰ درصد بود. این انتخابات شکست برای جریان اعتدال‌گرا به ریاست حسن روحانی بود.

نتیجه‌گیری

در مبحث حاضر با توجه به آمارها و مستندات که پیرامون شاخص‌های کارآمدی نظام سیاسی در دولت حسن روحانی ارائه شد. در سطح ابتدایی، شاخص‌های حاکمیت قانون، به عنوان دو مؤلفه مهم در سنجش کارآمدی یک نظام سیاسی، در بررسی عملکرد دولت روحانی در سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰ از اهمیتی فوق‌العاده برخوردار است. هرچند حسن روحانی با طرح شعارهای دفاع از حقوق شهروندی در قالب دفاع از حقوق زنان، اقلیت‌ها و مذاهب به قدرت رسید و خود را به عنوان وکیل ملت معرفی می‌نمود اما واقعیت امر این است که عملکرد دولت تحت ریاست او نیز مانند اسلاف خود نتوانست کارنامه مثبتی باشد. در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ وضعیت حاکمیت قانون روندی نزولی به خود گرفت و این وضعیت در سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ تشدید شد. اما این کارنامه منفی در دولت دوم حسن روحانی (۱۴۰۰-۱۳۹۶) به واسطه وقوع دو مرحله اعتراضات مردمی به اوج رسید.

در مجموع در زمینه شاخص حاکمیت قانون عملکرد روحانی همواره در وضعیت قرمز قرار داشت و تلاش‌های محدود او برای بهبود شاخص‌های موجود در این زمینه با ناکامی مواجه شد.

مشروعیت دولت یکی دیگر از شاخص‌های مهم در سنجش کارآمدی نظام سیاسی در دوران ریاست جمهوری حسن روحانی طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰ است که به شدت تحت تأثیر منازعه گفتمانی اصولگرایی و اصلاح‌طلبی قرار گرفت. هرچند دولت روحانی در ابتدای امر با گذار از یک مرحله نزاع گفتمانی حداکثری میان دو جناح سیاسی رقیب اصلی کشور در دوران ریاست محمود احمدی‌نژاد به قدرت رسید و تا حدود زیادی از پشتوانه

مناسب مردمی و نخبگانی برخوردار بود، اما این روند به تدریج قربانی منازعات گفتمانی شد.

در مقطع ابتدایی امضای برجام، کنترل تورم و تلاش دولت برای تقویت بنیان‌های اقتصادی کشور و نیز گشایش‌های سیاسی و مدنی محدود موجب شد که دولت روحانی از نظر شاخص‌های محبوبیت مردمی در وضعیتی مطلوب باشد؛ هرچند در همین دوران نیز طرفداران جناح اصولگرا به دلیل مخالفت تمام‌عیار با برجام و تبعات آن توسط رهبران این جناح، دولت روحانی را فاقد صلاحیت و مشروعیت زمامداری ارزیابی می‌کردند. اما راه‌اندازی اولین اعتراضات بزرگ در دوران ریاست‌جمهوری حسن روحانی با پیش‌قراولی اصولگرایان به گرانی نرخ تخم‌مرغ در شهر مشهد در دی‌ماه ۱۳۹۶، ضربه‌ای بزرگ را به مشروعیت دولت وارد کرد که شاید تأثیرات آن بر کارآمدی نظامی سیاسی بیش از هر زمان دیگری در تمامی سال‌های بعد از انقلاب بود.

اما رخداد مهم‌تر در باب مشروعیت دولت روحانی در ارتباط با موضع عموم مردم بود. در این مقطع اکثریت شهروندان ایرانی به واسطه عملکرد ضعیف مدیریتی دولت و نوع مواجهه با اعتراضات در ۹۶ تا ۹۸ به مرحله بی‌تفاوتی نسبت به مسائل سیاسی کشور به‌ویژه مشارکت در انتخابات رسیدند. در واقع، در دو انتخابات مجلس شورای اسلامی ۹۸ و انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ برخلاف انتخابات سابق، رغبت و شور اجتماعی چندانی برای مشارکت در انتخابات وجود نداشت که برآیند آن نیز مشارکت کمتر از ۵۰ درصدی بود. در این میان، کاهش محسوس مشروعیت دولت روحانی، عاملی مهم در کاهش کارآمدی دولت او نیز بود. در واقع، برخلاف تمامی دولت‌های قبلی، دولت حسن روحانی به‌ویژه در دوره دوم با کمترین حمایت از سوی مردم و حتی متحدان خود مواجه بود. در این مقطع حتی بسیاری از رسانه‌ها و شخصیت‌های متحد و حامی دولت در گذشته، به صف منتقدان او پیوستند و شدیدترین انتقادات را نسبت به برنامه‌های دولت، وزرا و عملکرد مدیران ارشد دولتی مطرح کردند.

فهرست منابع

۱. اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۲)، مفهوم، شاخصه‌ها و شیوه‌های ارتقای کارآمدی در نظام جمهوری اسلامی ایران، راهبرد، دوره ۱۱، شماره ۳، شماره پیاپی ۲۹، پاییز.
۲. زین‌الدینی، مجید و دیگران (۱۳۹۵)، پیامدهای کارآمدی در قوه قضائیه از منظر امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، اسلام و مدیریت، سال ۵، شماره ۸ و ۹، بهار و تابستان.
۳. شفیعی، احمد و عبدالعزیز نیک‌بین (۱۳۹۴)، مؤلفه‌های کارآمدی نظام دینی در اندیشه مقام معظم رهبری، جستارهای سیاسی معاصر، سال ششم، شماره اول، بهار.
۴. عطار، سعید و محمد کمالی‌زاده (۱۳۹۷)، کارآمدی به مثابه ظرفیت دولت؛ رهیافتی سیاسی به مفهوم کارآمدی، پژوهش سیاست نظری، شماره بیست‌وسوم، بهار و تابستان.
۵. فلاحی، مجید (۱۳۸۹)، بررسی بحران‌های پنج‌گانه توسعه سیاسی در رابطه با جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه رازی.
۶. قلی‌پور، رحمت‌الله (۱۳۷۸)، حکمرانی خوب و الگوی مناسب دولت، تهران، انتشارات معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی
۷. قیوم‌اصغری، سپیده (۱۳۹۵)، دولت چابک و کارآمد، پنجمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پایه پیشرفت، اردیبهشت.
۸. کرامت، فرهاد (۱۳۹۳)، عناصر مشروعیت‌یابی در نظام‌های سیاسی و مردم‌سالاری دینی، راهبرد، سال بیست‌وسوم، شماره ۷۲، پاییز.
۹. موسوی، حسین و همکاران (۱۳۹۷)، تحلیلی بر کارآمدسازی نظام سیاسی در ایران با تکیه بر مطالعات و پژوهش‌های انجام‌شده، مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه.

۱۰. نوروزی، محمدجواد (۱۳۹۴)، شاخص کارآمدی اسلام در بعد ساختاری نظام اسلامی، **معرفت سیاسی**، سال هفتم، شماره اول، بهار و تابستان.
۱۱. واعظی، احمد و غلامرضا موسوی (۱۳۹۱)، پژوهشی در کارآمدی نظام جمهوری اسلامی، **علوم سیاسی**، سال پانزدهم، شماره پنجاهونهم، پاییز.
۱۲. هیوز، آون (۱۳۸۰)، **مدیریت دولتی نوین**، ترجمه مهدی الوانی و همکاران، تهران، نشر مروارید.

انگلیسی

13. Barro, R. (2000). **Democracy and the Rule of Law**. In *Governing for Prosperity*, B. de Mesquita and H. Root (Eds). New Haven: Yale University Press.
14. BBC News (15 June 2013). **Hassan Rouhani leads Iran presidential election vote count**. At: <https://www.bbc.co.uk/news/world-middle-east-22916174>.
15. Fassihi, Farnaz (June 15, 2013). **Moderate cleric Hassan Rohani wins Iran Vote**. The Wall Street Journal. At: <https://www.wsj.com/articles/SB10001424127887323734304578547481084333510>.
16. Fee, James V. (1973). Book reviews. **Today's Speech**. 21 (1).
17. Hobson, Charles (1996). **The Great Chief Justice: John Marshall and the Rule of Law**. University Press of Kansas.
18. Garner, Bryan A. (2009). **Rule of law**. Black's Law Dictionary, 9th Edition

19. Graham-Harrison, Emma (20 May 2017). **Iran: Hassan Rouhani wins landslide in huge victory for reformists.** The Guardian. At: <https://www.theguardian.com/world/2017/may/20/iran-hassan-rouhani-set-for-landslide-in-huge-victory-for-reformists>.

20. <https://www.president.ir/EN/83896>

21. Torbati, Yeganeh (11 June 2013). **Khatami, reformists back Rohani in Iran presidential vote.** Reuters. At: <https://www.reuters.com/article/us-iran-election-idUSBRE95A09O20130611>.

22. Vakil, Sanam (5 DECEMBER 2019). **As Parliamentary Elections Loom, the Legitimacy of Iran's Regime Has Been Shaken.** Chatham House. At: <https://www.chathamhouse.org/2019/12/parliamentary-elections-loom-legitimacy-irans-regime-has-been-shaken>.